

گزارش

<فرهنگ شفاهی مردم هزاره> رونمایی شد <باتوردایمیر کیشه > ۱۰۷

<گزارش تصویری شب شعر شهرپور > ۱۱۳

<گزارش تصویری جلسات هفتگی نقد و بررسی شعر > ۱۱۷

<گزارش تصویری جلسات هفتگی نقد و بررسی داستان > ۱۱۸

«فرهنگ شفاهی مردم هزاره» رونمایی شد

نوشته دکتر حفیظ شریعتی (سحر)

باتور دایمیر کیشه

اشاره: «فرهنگ شفاهی مردم هزاره» کتابی است که دکتر حفیظ شریعتی (سحر) آن را نوشته است و انتشارات امیری با کمک مالی شرکت فرهنگی مهرگان عمران و شخص استاد بلیغ، رئیس آن موسسه فرهنگی در کابل، چاپ کرده است. این کتاب طی محفلی در دانشگاه ابن سینا با همت آن دانشگاه، موسسه فرهنگی «دری»، انتشارات امیری، شرکت مهرگان عمران و... رونمایی شد. گردانندگی این نشست را آقای واعظی به عهده داشتند و سخنرانان آن استاد «اسد بودا» و دکتر حفیظ شریعتی (سحر) بودند. بنا بود در این محفل رونمایی، حسن رضایی رئیس موسسه تحصیلات عالی غرjestان نیز سخن بگوید که بر اثر گرفتاری نیامدند.

می‌شود. در افغانستان هم اکثر کسانی که در زمینه گردآوری موضوعات فرهنگ عامه کار و تحقیق کرده‌اند، فولکلور یا فرهنگ شفاهی را مجموعه‌ای از «دانستی‌ها» و اعمال و رفتاری دانسته‌اند که در میان عامه مردم سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. امروز در کشورهای گوناگون در زمینه گردآوری موضوعات فرهنگ عامه و فرهنگ مردم پژوهش‌های جدی انجام گرفته است. در نتیجه توسعه علم مردم‌شناسی و قوم‌شناسی، فولکلور به یک رشته علمی و دانشگاهی تبدیل شده است که در آمریکا و برخی کشورهای دیگر در مقاطع تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد و دوره‌های تخصصی مانند دکتری تحصیل و تدریس می‌شود. دانشجویان در این رشته به مطالعه فرهنگ عامه می‌پردازند و مدرک می‌گیرند. در زبان فارسی می‌توان این رشته را «فرهنگ عامه» یا «فرهنگ شفاهی» نامید. در ایران رشته‌ای که فرهنگ مردم در آن تدریس شود، «مطالعات فرهنگی» نامیده می‌شود. در تاجیکستان در این رشته دکتری داده می‌شود.

درآمدی بر متن
ظهور مطالعات فرهنگ مردم: واژه folklore مرکب از دو بخش folk به معنی توده و مردم و lore به معنی دانش است. این واژه نخستین بار در سال ۱۸۴۶ م. توسط باستان‌شناس انگلیسی ویلیام جان تامز W. g. thoms (با نام مستعار «آمبروزمورتون» ambrose mortonu) ساخته شد. در این باره گئورگ هرزو می‌نویسد: فولکلور مسائل و بخش‌هایی از فرهنگ است که ابدی شده است و با حکایت شفاهی، افسانه‌ها، آوازهای عامیانه و رقص‌ها بیان



در این گونه پژوهش‌ها است. حفیظ در این مورد، عشق و علاقه بالایی دارد، اما تکنیک و شیوه گردآوری ایشان گاهی علمی نیست. به طور نمونه ایشان بسیاری از گردآوری‌شده‌ها را تحلیل کرده است و نظر خود را وارد متن کرده است. گاهی هم صدای مردم در این متن کمتر شنیده می‌شود. شریعتی این موضوع را رد کرد و گفت که: «این اثر هم گردآوری فرهنگ مردم هزاره و هم تحلیل آن است تا خواناتر و توصیفی‌تر شود.»

۲. صبر و حوصله: از آن جایی که پژوهشگر، مطالعه‌ای میدانی انجام می‌دهد، حوصله زیادی لازم است. ایشان شریعتی را در برخی مسایل پژوهشی کمی سهل‌گیر توصیف کرد که از کنار برخی مسایل به سادگی گذشته است.

۳. آگاهی لازم از موضوع پیش از آغاز بررسی‌ها: پژوهشگر باید پیش از شروع کار درباره موضوع مورد بررسی اطلاعات لازم را داشته باشد. ایشان گفت: شریعتی در بسیاری از مسایل به دیگر مناطق هزاره‌جات غیر از استان غزنی توجه کمتری کرده است که شریعتی آن را وارد دانست و گفت این کار، کار یک نفر نیست و برای این کار، دولتی و موسسه فرهنگی باید پشت‌سر پژوهشگر باشد. اما اشاره داشت که در کلیات، فرهنگ شفاهی مناطق مردم هزاره خیلی با هم فرق ندارد. اگر چند در جزئیات ممکن است فرقی باشد که می‌شود آن را در تکمیله آورد و یا به صورت تطبیقی کار کرد. ۴. ضبط و نگارش همه چیز: هیچ‌گاه نباید به حافظه و ذهن خود هر چقدر هم قوی باشد، اطمینان کرد. بنابراین لازم است که گفته‌های شخص مصاحبه‌شونده، ضبط و سپس در چند جای دیگر ذخیره شود. بودا کتاب را از نظر اسناد و مدارک کم‌جان دانست و حفیظ به آن اشاره کرد و گفت که در حد امکان به منابع توجه جدی کرده است. در ضمن ایشان گفت: «من خود منابعم».

۵. تغییرن دادن مطالب: پژوهنده باید بداند که در زمینه گردآوری فرهنگ عامه، تنها نقش او مکتوب کردن چیزهایی است که تاکنون به کلام درمی‌آمدند. بودا گفت: ممکن است شریعتی در متن دست برده باشد که شریعتی آن را رد کرد و گفت که امانت‌دار بوده است.

۶. تحریف نکردن مطالب: مطالبی ممکن است از نظر گردآورنده، کهنه و خرافاتی به نظر برسد و از طرف گردآورنده در جهت حذف، تغییر یا افزودن اضافاتی به آنها تلاش شود. حفیظ در این مورد اشاره

بر شیوه گردآوری فرهنگ شفاهی مردم هزاره نقد وارد است

اسد بودا در این رونمایی، نخست از اهمیت گردآوری فرهنگ شفاهی مردم هزاره گفت و ضبط و ثبت آن را یک وظیفه علمی و مردمی دانست. ایشان نخستین تحقیقات در این مورد را به جهان غرب مرتبط دانست و اشاره کرد که آنان برای عبور از تاریخ‌نویسی رسمی به نوشتن و گردآوری فرهنگ مردم پرداختند تا به این شیوه خطاهای عمدی و جعل‌کاری‌های نویسندگان درباری و دولتی را بر ملا سازند. بودا تاریخ برآمده از فرهنگ مردم را اصیل و مردمی دانست و تاریخ رسمی را در جهان و افغانستان جز جعل دولتی چیزی ندانست. ایشان اشاره داشت که تاریخ‌نویسی در افغانستان، تاریخ دربار و یک قوم و قبیله است. برای نوشتن از مردم و اقوام دیگر باید از فرهنگ مردمی آن قوم نوشت و آن را ثبت و ضبط کرد. ایشان از این نظر کار دکتر شریعتی را مهم دانست. در پایان بودا بر نحوه گردآوری فرهنگ شفاهی مردم هزاره نقدی وارد کرد که خلاصه آن چنین است:

۱. علاقه، پشتکار و عشق داشتن: نخستین و مهم‌ترین عامل موفقیت در هر کاری و از جمله



کرد و گفت: چیزی را کاهش و افزایش نداده است؛ اما بررسی و تحلیل کرده است. ۷. انتخاب درست مصاحبه‌شوندگان: شریعتی گفت در این مورد در حد امکان به ثبت و ضبط پرداخته است.

در پایان، دکتر حفیظ شریعتی ضمن وارد دانستن بخشی از توصیه‌ها و نقدهای اسد بودا از گردآوری و ضرورت فرهنگ شفاهی مرد هزاره گفت. ایشان در این مورد اشاره کرد که:

فرهنگ شفاهی و ادبیات عامیانه و عامه مردم هزاره، ادبیاتی است که آن را مردمانی بی سواد یا کم سواد و بیشتر شفاهی بیان کرده‌اند و سروده‌اند. این کهن سروده‌ها و باورها از جهت ساختار و محتوا، با ادبیات رسمی و سنتی مکتوب متفاوت‌اند. زبان ساده، لحن عامیانه، حالت‌ها و اندیشه‌های مردمی در آن آشکارند.

فرهنگ شفاهی مردم هزاره و یا ادبیات عامه آن از نظر مضمون و محتوای آن دو گونه است: یکی، دانش مردمی یا عامه و ادبیات مردمی و شفاهی است که بیشتر جنبه‌ای گفتاری و زبانی دارد و دیگری علم انسان‌شناسی (مردم‌شناسی) است که با جامعه‌شناسی و تاریخ رابطه دارد. آن چه مورد نظر در این نوشته است نگاه گذرا به ادبیات عامه یا فرهنگ شفاهی است که بر اسطوره‌ها، افسانه‌های تاریخی، مذهبی، باورها و دانش‌های مردمی مانند: پند پیران و یا امثال و حکم، ترانه‌ها، دوبیتی‌ها، قهرمانان، داستان‌های حماسی و رمانتیک، قصه‌ها، شوخی‌ها و حتی بازی‌های کودکانه و... تکیه دارد.

ادبیات و فرهنگ کهن و شفاهی مردم هزاره یا منظوم است یا منثور (و گاه نشر و نظم با هم) که می‌شود آن را به دو بخش مهم تقسیم‌بندی کرد: حماسی و عشقی؛ گنجینه ادبیات و فرهنگ شفاهی مردم هزاره بیشتر شامل این دو گروه است. یعنی یا حماسی است، یعنی توصیف اعمال، رفتار و کنش‌گری‌های پهلوانان مردمی و بیان رشادتها و مردانگی‌ها و از جان گذشته‌هایشان برای قوم و ملت خود که نمونه خوب آن مخته‌های هزارگی است و نمونه مصداقی آن گل محمدخان هزاره است. یا عاشقانه است که شاید سخن گفتن از احساسات و تجربه‌های شخص باشد؛ ولی مضمون آن فراخ‌تر و توصیف «من» برتر و گسترده‌تر است که شامل من قومی و مردمی نیز می‌شود. این

احساسات و تجربه‌های شخصی عاشقانه، بیان عشق است میان دو جنس مخالف؛ و بی‌تابی‌ها و دلیستگی‌هایشان، بی‌تابی‌های تمام دلباختگان مردم هزاره است. افسانه‌های عاشقانه، ترانه‌ها و دوبیتی‌ها از این گونه‌اند. همین طور در حوزه نثر، اوسانه‌ها و قصه‌های عامیانه هزارگی وجود دارند که مخاطب آنها در زمان‌های قدیم، مردم عامی بوده‌اند که سواد خواندن و نوشتن نداشته‌اند و پای قصه‌گویی نقالان و قصه‌گویان می‌نشسته‌اند و تحقق آرزوها و آمال خود را در این قصه‌ها می‌جسته‌اند.

در کنار قصه‌ها، پند پیران، دانش مردمی یا عوام، امثال و حکم و آداب و رسوم مردمی را نیز باید در شمار بهترین‌های فرهنگ شفاهی مردم هزاره به شمار آورد. جمله‌های کوتاهی که زاینده اندیشه و دانش مردم ساده هزاره و میراثی از غنای معنوی نسل‌های گذشته آنان است که دست به دست و زبان به زبان، به نسل امروزی هزاره‌ها رسیده است.

قالب دیگری در حوزه نظم، دوبیتی‌ها و تصنیف‌های مردم هزاره است که محتوای آن شامل مسایل حدیث نفس، معیشت، محدودیت‌ها و فشارهای اجتماعی ناشی از فقر،



می‌توان تاریخ و گذشته تاریخی این مردم را از آن استخراج کرد. بنابراین، هر گونه نگاه دیگر گونه و تحقیرآمیز به این اندوخته‌ها و داشته‌های قومی و مردمی در واقع حقیر شمردن مردمی‌اند که آفریننده آن‌اند و خود بر سفره آن نشسته‌اند.

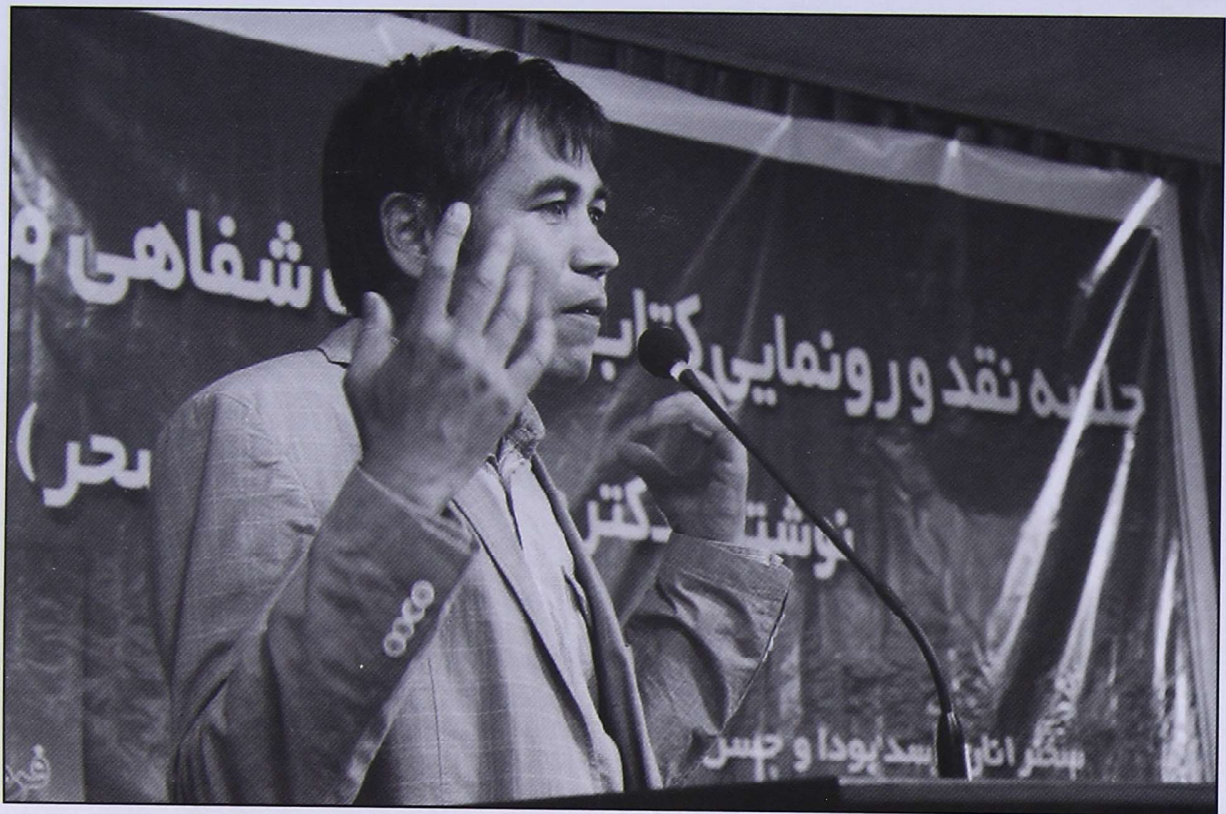
بر آگاهان پوشیده نیست که نسبت به تاریخ و فرهنگ و به‌ویژه فرهنگی هزاره‌ها در طول تاریخ این مردم، بی‌توجهی جدی شده است. دلیل این بی‌توجهی، پایین بودن سطح سواد در هزارستان است که در چنین فضایی، جوانه‌های پژوهش و گردآوری فرهنگ مردمی و شفاهی جایی برای رشد، نمو، بازبینی، پرورش و پالایش نمی‌یابد. در نتیجه، به خشکیدگی و مرگ زود هنگام دچار می‌شود. در این مدت اگر چند همراه با تحولاتی بی‌درپی و زودگذر در افغانستان که چند دهه از عمر مفید نسل‌های مردم این دیار را در خود پیچاند و فرو برد؛ اما مهاجرت فراگیر مردم ما به کشورهای همسایه و دور دست این فرصت را فراهم کرد که دوباره به گذشته‌شان بیندیشند و با آشنایی با پژوهشگران کشورهای همسایه، به تنظیم، ضبط و نشر فرهنگ شفاهی یا عامیانه دست بزنند. در این میان، کار پژوهشگرانی چون استاد کاظم یزدانی که «فرهنگ عامیانه طوایف هزاره» را نوشته و «سیری در هزاره‌جات» نوشته انجنیر علی داد لعلی در خور تأمل و تقدیرند. همچنین نوشته‌ها و پژوهش‌های محمدجواد خاوری در کتاب‌های «دوبیتی‌های هزاره»، «امثال و حکم هزاره»، «قصه‌های هزاره‌های افغانستان»، «پشت کوه قاف» و کتاب «ترانه‌های غر جستان» شایسته ستایش است.

تلاش برای گردآوری این اثر باری، این پشتوانه فرهنگی، ادبی، حکمت و خرد مردمی - با هر کیفیت و در هر ظرفیتی که وجود دارد، و محصول شرایط تاریخی و تلاش امیدوارانه و پُردرد، تلخ و رنج‌آمیز یکایک مردم هزاره است - می‌طلبد که با دید مقتدرانه‌ای نگریسته شود. و همچنین برای گردآوری و حفظ آن تلاش شود تا این حرف‌ها و ناگفته‌های بسیار که ناگفته‌ها و ناشناخته‌هایی بسیاری را در خود پنهان دارد، کاری صورت بگیرد. در غیر آن صورت ممکن است برای همیشه ناپیدا شوند. هزاره‌ها در پی ریزی تمدن بشری و فرهنگ و مواهب متعلق به آن کارایی یکسانی و شاید بیشتر از دیگر مردم منطقه و جهان داشته‌اند، به همین خاطر جهت قضاوت عادلانه نسبت به سهم اقوام و ملت‌ها در بالندگی و هیمنه فرهنگ و تمدن، حق دارند که فرهنگ و ادبیات این مردم مورد توجه قرار گیرد؛ چون هزاره‌ها همواره نه بر

نابه‌سامانی‌ها، مهاجرت‌ها و خانه‌به‌دوشی‌ها، تفاوت‌ها و فاصله‌های اجتماعی و... می‌شود. اگر چند در کنار آنها، در این دوبیتی‌ها و تصنیف‌ها، شادی‌های اندک از کامیابی‌های معمول هم وجود دارد.

از محتوای دیگر این دوبیتی‌ها و تصنیف‌ها: عشق و آرزوی وصال، فقر و کیسه‌تهی عاشقانه و فقر فراگیر اعم از فقر مادی و فرهنگی است. این دوبیتی‌ها و تصنیف‌ها بیشتر در سر زمین‌ها، هنگام درخت‌کاری و نهال‌شانی‌ها، فصل کار، زیر سقف کلبه‌ها و کومه‌های دهقانان، در دامن کوه‌ها و آغوش کشتزارها و در میان گله‌های گاو و گوسفند همراه با نی‌شبانان و زنگ آوردن گوسپندان از کوه، پدید آمده‌اند. و شاید هم در شب تاریک لب‌جویباری ناله هجران یا فریاد شوق دیداری از سینه مردی یا زنی بر خاسته است و به زبان‌ها افتاده است و دیگران آن را زمزمه کرده‌اند. این دوبیتی‌ها و تصنیف‌ها همواره با عشق‌ها و امیدها و عواطف و هیجان‌های این مردم ساده و یا با وصف جلوه‌ها و زیبایی‌های طبیعت همراه هستند.

به دیگر سخن، فرهنگ شفاهی مردم هزاره منبعی سرشار و غنی از پند و حکمت و پندره‌ای به گذشته‌های دور آنان است که به درستی



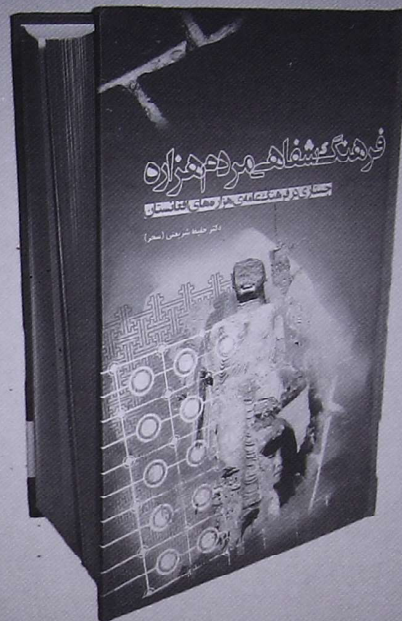
خضر نسی، غذاهای نذری، نذر فاطمه زهرا، بی‌بی‌تشیکی، آش رشته، قربانی‌کردن، انواع قربانی، شیوه تقسیم گوشت قربانی؛ همین‌طور مرگ و تشییع جنازه، انواع سوگواری، مانند سربرهنه و پابرهنه‌شدن، حمله گرفتن برای جوانان، گیس‌بریدن زنان و خراشیدن صورت در مرگ جوانان و بزرگان خانواده، مراسم سوم، هفتم، چهلم و سال، تفاوت‌های مجالس سوگواری زنانه و مردانه، به قبرستان رفتن و شیوه مراسم ختم و سوگواری؛ به طور نمونه در بین هزاره‌ها رسم است که بزرگ طایفه، گوشه فرش خانه صاحب‌عزرا را وارونه می‌کند که به معنای پایان مراسم سوگواری است؛ سنگ‌قبرها، نوشته‌های روی سنگ‌قبرها، چگونگی نوشتن نام مرده روی سنگ‌قبر، لباس سیاه پوشیدن، مدت آن و شیوه درآوردن و ترك آن و پوشیدن لباس معمولی، خیرات‌کردن برای مرده، انواع خیرات و ایام آن، به‌جا آوردن نماز و روزه برای مرده، قرآن‌خواندن برای مرده و انواع و اشکال آن؛ جادو و جنبل، فال‌گیری، شیوه‌های جلب محبت، مهره مار، جارو کردن، گرفتن ناخن، نمک و حرمت آن، خواب‌گزاری، حیوانات گوناگون و عقاید نسبت به آنها، اجاق و چراغ و حرمت آنها، صلوات فرستادن هنگام

استیلا و برتری نسبت به دیگران، بلکه بر ویژگی‌ها و داشته‌های خود تأکید داشته‌اند. ویژگی‌هایی که به رغم درخشندگی یا خاموشی، محصول زمینه‌ها و شرایطی است که باید فرصت برابر برای بررسی داشته باشد. به یاد داشته باشیم که گوشه‌هایی از فرهنگ و ادبیات شفاهی مردم هزاره در بخش‌هایی از آیین‌های گردآوری شده در «آثار الباقیه» ابوریحان بیرونی و تاریخ طبری، بازی‌ها، رقص‌ها و حرکات موزون را می‌توان در «مروج الذهب» مسعودی و «شفا» ابوعلی سینا و مناسک آیینی و فرقهای را در آثار امام محمد غزالی مشاهده کرد که هنوز در ذهن و حافظه مجریان و ناقلان فرهنگ شفاهی نواحی مختلف هزارستان وجود دارد.

آنچه باید گردآوری می‌شد و شود

محتوای مورد بررسی فرهنگ شفاهی مردم هزاره در این کتاب دربرگیرنده بخش‌های گوناگونی از اساطیر، حکایت‌های اسطوره‌ای، افسانه‌ها، قصه‌های پهلوانی، حکایت‌های واقعی، داستان‌های امثال و حکم و لطیفه‌ها، آوازها، ترانه‌ها، تصنیف‌ها، واسونک‌ها، دوبیتی‌ها، تک‌بیتی‌ها، نوحه‌ها، شعرهای سوگواری و لالایی‌ها، چیستان‌ها، لغزها، زبان‌زدها، بازی‌های و... زبانی می‌شود که هر یک جنبه‌هایی از فرهنگ شفاهی و ادب عامه هزاره را در خود دارد.

همین گونه، موضوعاتی مانند انواع گوناگون سفره‌ها، برخی از آداب و رسوم مذهبی رسمی مانند موارد معینی از سوگواری برای امامان، اولیا و مقدسان (روزهای محرم و...)، جشن‌های مذهبی عید قربان، مبعث پیامبر، عید فطر، عید غدیر، مولودی‌خوانی‌ها، دیدوبازدیدهای ویژه این مراسم، انواع پذیرایی‌ها، آداب و مراسم عروسی (خواستگاری، بله‌برون، نامزدی و انواع آن، ناف‌بریدن پسر و دختر برای یکدیگر، الزام ازدواج، پسرعمو و دخترعمو، ختنه‌سوران، جشن گرفتن، دعوت کردن و شیوه‌های آن، آبستنی و ویارها و انواع آنها، زایمان، حمام‌بردن زانو، طبابت‌های خاص ماما (قابله) در حین زایمان و پس از آن، بریدن ناف بچه، دعا‌هایی که برای زنان دیرزا خوانده می‌شود، شست‌وشوی نوزاد، خواندن اذان در گوش نوزاد، نام‌گذاری و چگونگی انتخاب آن، زیارت‌رفتن به اماکن مقدس، اعمال پیش از سفر، آشتی‌کردن و حلالتی‌طلبیدن، چهارشنبه‌سوری، نوروز، سفره نوروز، بیک‌های نوروزی، دیدوبازدیدها، عیدی‌دادن و عیدی‌گرفتن، سیزده‌بدر، بخت‌گشایی، رفتن به اماکن مقدس، چشمه‌ها و درخت‌های نظر‌کرده، قدمگاه‌های اولیا، مانند قدمگاه‌های منسوب به حضرت علی و



تفاوت فرهنگ و هنر مردم هزاره، نه یک کار از روی سرگرمی و دلخوش کردن، اشرافی و مدگریانه است و نه تنها نگاه قوم‌گرایانه بلکه یک ضرورت ملی، قومی و مردمی است تا بتوان از زیباترین گنجینه مردمی نگهداری و در حفظ، ثبت و ضبط آن کوشید؛ در افغانستان و هزارستان، نهادها و مراکز ملی و مردمی برای ثبت و ضبط آنها نداریم؛ لذا نیاز است تا گروهی از جوانان پرشور برای پاسداشت این گنجینه مردمی برخیزند و به دور افتاده‌ترین نقاط هزارستان بروند؛ و یا فرهنگیان مردمی در هر گوشه‌ای در حد امکان و مقدرات خود، گامی در این راه بردارند تا جماعتی در این میدان به تلاش و تکاپو واداشته شوند. البته در این اواخر آهنگ این فعالیت نیز خوشبختانه روی بر افزونی دارد و آینده بهتری را نوید می‌دهد.

منابع و مآخذ:

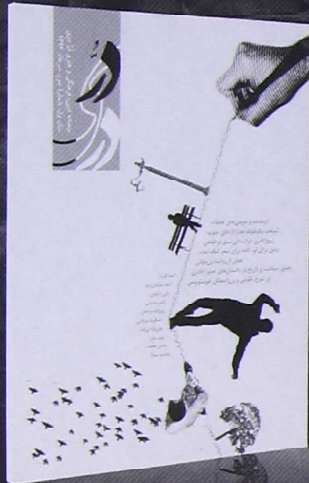
۱. پواریه، ژان؛ (۱۳۷۰)، تاریخ مردم‌شناسی، مترجم: پرویز امینی، انتشارات خردمند، چاپ اول، تهران.
۲. ترانه‌های عامیانه ایران، مجله موسیقی، شماره ۲، دوره ۳، سال ۱۳۳۵.
۳. آریان‌پور، امیرحسین؛ (۱۳۵۴)، جامعه‌شناسی هنر، دانشکده هنرهای زیبا، چاپ اول، تهران.
۴. عثمان، محمدطیب؛ (۱۳۷۱) راهنمای گردآوری سنت‌های شفاهی، مترجم: عطاءالدوله رهبر، آناهیتا، چاپ اول، تهران.
۵. پراپ، ولادیمیر؛ (۱۳۷۱)، ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، مترجم: فریدون بدره‌ای، توسن، چاپ اول، تهران.
۶. پراپ، ولادیمیر؛ (۱۳۷۱)، ریشه‌های تاریخی قصه‌های پریان، مترجم: فریدون بدره‌ای، توسن، چاپ اول، تهران.
۷. روح‌الامینی، محمود؛ (۱۳۶۸)، زمینه فرهنگ‌شناسی، عطار، چاپ دوم، تهران.
۸. رادین، ماکس؛ (۱۳۵۰)، سنت؛ مترجم: فریدون بدره‌ای، مجله فرهنگ و زندگی، شماره ۴ و ۵.
۹. مارزولف، اولریش؛ (۱۳۷۱) طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی؛ مترجم: کیکاووس جهانگیری، چاپ اول، تهران.
۱۰. بیرو، آلن؛ (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم: باقر ساروخانی، کیهان، چاپ اول، تهران.
۱۱. انجوی شیرازی، ابوالقاسم؛ (۱۳۷۱)، گذری و نظری در فرهنگ مردم، چاپ اول، تهران.
۱۲. روح‌الامینی، محمود؛ (۱۳۶۸)، مبانی انسان‌شناسی، عطار، چاپ سوم، تهران.
۱۳. نیک‌گهر، عبدالحسین؛ (۱۳۷۱)، مبانی جامعه‌شناسی، رازین، چاپ سوم، تهران.
۱۴. مندراس، هانری؛ (۱۳۶۹)، مبانی جامعه‌شناسی، مترجم: باقر پرهام، چاپ پنجم، تهران.
۱۵. محجوب، محمدجعفر؛ (۱۳۴۱)، مطالعه در داستان‌های عامیانه فارسی، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره ۱ و ۲.
۱۶. شریعتی (سحر)، حفیظ؛ (۱۳۹۳)، فرهنگ شفاهی مردم هزاره، انتشارات امیری، کابل.

روشن شدن چراغ، سوگند خوردن به چراغ، کشاورزی، شیوه کاشت، داشت و برداشت، تقسیم محصول، دعاها و ویژه خرمن، جشن‌های خرمن، شیوه کیل یا وزن کردن، شیوه آبیاری، تقسیم آب، چگونگی پرداخت مزد میراب، نام‌های محلی محصولات مانند گندم که برای هر مرحله از رشد آن نام خاصی وجود دارد، خشکسالی، آیین‌های تمنای باران، آیین‌های بند آمدن باران.

همین سان دامداری، نام‌های محلی دام‌ها، به چرا بردن آنها، استخدام چوپان، مزد چوپان، غذاهای محلی خاص، دام‌ها، انواع بازی‌ها، بازی‌های کودکان و بزرگسالان، شعرهای حین بازی، یارگیری، بازی‌های مخصوص شب‌های زمستان، مثل گل‌بازی، سایر آداب زمستان، مانند آداب و رسوم ویژه شب چله، از مقوله‌هایی‌اند که در (فرهنگ شفاهی مردم هزاره) به طور نسبی گردآوری شده‌اند و یا باید در آینده جمع‌آوری شود.

مردم و رچاوند ما می‌دانند که امروز سخن گفتن از لزوم گردآوری فرهنگ عامه و پیشگیری از تباه شدن و از میان رفتن این شاخه بزرگ درخت

گزارش تصویری شب شعر شهر یور



شب شعر شهر یور

ورونمایی شماره سوم ماهنامه «دردی»

با حضور:

حمید مبشر

روح‌الله روحانی

و شاعران جوان کابل

برگزار کننده:



همکاران:

زمان: پنجشنبه، ۱۳ سنبله ۱۳۹۳، ساعت ۳ پس از چاشت
مکان: کابل، کارته چهار، سالن اجتماعات دانشگاه ابن سینا



۱۱۳



داسجا

سال اول، شماره چهارم
اسد ۱۳۹۳







گزارش تصویری جلسات هفتگی نقد و بررسی شعر

جمعه‌ها ساعت ۳، سالن اجتماعات مؤسسه فرهنگی در دِردری در کابل

